



واژه‌ی ماه ستیم / استیم

همتراز: عفونت، Infection
/Seteem/

ستیم در واقع تلفظ کهن تر استیم است. در پارسی کهن این امکان وجود داشت که واژه‌ها با واج‌های صدادار (واکه) آغاز شوند اما بعدها زبان پارسی به سوی آن رفت که آغاز واژه‌ها با واج بی‌صدا تبدیل به یک اصل شود. ستیم در ادبیات کهن پارسی دارای دو چم (معنا) است. نخست در هنگام کمخته بستن زخم (سله بستن خون) به کار رفته و سپس کمی جلوتر در هنگام رشد دانش پزشکی (دوران ساسانیان) این واژه را در چم «عفونت کردن زخم» به کار بردند.

با نگاه بر این که واژه‌ی کمخته با توجه به برآمدگی آن از واژه‌ی «لخته» و نزدیک تر بودن آن به ذهن برای به کار بردن به جای سله بستن مناسب تر به نظر می‌رسد، بهتر است تا واژه‌ی پارسی ستیم را در چم پزشکی آن به کار ببریم و جایگزین واژه‌ی بیگانه‌ی عفونت کنیم.

برآمده‌ها

ستیم | عفونت
ستیمیدن | عفونت کردن
ستیم کردن
ستیمیده | عفونی

گفت فردا نشتر آرم پیش تو * خود بیاهنجم ستیم از ریش تو^۱

جعفر پور محمد «رودکی»

امروز سیم گویند و سیم کشیدن به معنی تاه شدن خستگی و ریش باشد به علت مجاورت هوای سرد یا آب آلوده^۱.

ناصر خسرو قبادیانی